



انتظارات از سفر ترامپ به خلیج فارس



فریدک اشنادر
اقتصاددان

نگاه
تحلیلی

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا نخستین سفر خارجی خود را به خلیج فارس انجام خواهد داد و در این تور به عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و «جاهای دیگر» سفر خواهد کرد. تصمیم به انجام سفر به ریاض (که نخستین مقصد سفر خارجی رئیس‌جمهور آمریکا در دور نخست ریاست‌جمهوری اش هم بود) احتمالاً ناشی از بیانیه محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، مبنی بر سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری در اقتصاد آمریکا است. امارات متحده عربی هم برای اینکه در رقابت عقب نیفتد، اعلام کرده است که رقم ۱۴۰۰ میلیارد دلار در اقتصاد آمریکا سرمایه‌گذاری می‌کند، که معادل ۳ برابر تولید ناخالص داخلی این کشور است. اینکه این بیانیه‌ها، که درست در زمانی منتشر شدند که اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به ترامپ در حال سقوط بود، تا چه حد جدی باشند، کاملاً مورد تردید قرار دارد. علاوه بر تزریق پول‌های خلیج فارس به اقتصاد آمریکا، ترامپ و اطرافیان تعداد زیادی مسائل فوری برای گفت‌وگو در این سفر دارند. هر چند شورای همکاری خلیج فارس در چرخ و فلک بازی جنگ‌های تجاری ترامپ، نسبتاً در حاشیه مانده است، اما این بلوک اقتصادی هیچ منفعتی از بحران اقتصادی جهانی نخواهد برد. قیمت نفت از بعد از جهش ناشی از جنگ اوکراین، به حدی پایین آمده است که نه محمد بن سلمان خوشحال است و نه دونالد ترامپ، هر چند بعید است اقدام قابل توافقی هم برای حل این مسئله بین دو طرف وجود داشته‌باشد. اساساً این سفر در دوره‌ای رقم می‌خورد که ایالات متحده آمریکا چیز زیادی برای ارائه دادن به خلیج فارس ندارد. به لحاظ اقتصادی تجارت رو به افول است. صادرات کشورهای خلیج فارس به آمریکا ناچیز است و چین در سال‌های اخیر جای آمریکا را به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده به این کشور گرفته است. خریدهای بزرگ تسلیحاتی هم به دلایل مختلف از جمله محدودیت‌ها، لغو قراردادهای منع صادرات کاهش یافته‌است و در عین حال برخی محصولات خاص مانند سامانه‌های دفاع هوایی و جنگنده‌های اف-۳۵ هم کمتر از حد انتظار به نسبت قیمت‌شان عمل کرده‌اند. از لحاظ ژئوپولیتیک هم ارزش چتر نظامی آمریکا کاهش پیدا کرده است. حملات موفق حوثی‌ها به تاسیسات نفتی عربستان سعودی و استمرار اختلال این گروه برای دریانوردی در دریای سرخ، محدودیت‌های چتر نظامی آمریکا را برملا کرده است. به‌رغم همه تلاش‌هایی که برای شکست حوثی‌ها تاکنون انجام شده است، این گروه همچنان به‌عنوان یک دشمن توانمند باقی مانده است. هم‌زمان برنامه ترامپ برای غزه هم با بدبینی و مخالفت اعراب مواجه شد. عربستان سعودی و قطر اصرار دارند که در هر توافقی باید تشکیل یک کشور فلسطینی پیش‌بینی شود. هر چند این یک مطالبه دور از دسترس است، چراکه راهکار دودلتی مدت‌هاست که فراموش شده است. در خصوص ایران هم کشورهای حاشیه خلیج فارس از آشتی با ایران خرسند هستند، اما نگران‌اند که تلاش‌های شان برای آشتی با ایران در صورت شکست مذاکرات ایران و آمریکا و توفیق جنگ طلبان آمریکایی به خطر بیفتد. در مجموع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تمایل ندارند که در دوران رهبری ترامپ، با توجه به تمایل او به پشت کردن به متحدان پیشین‌اش، به آمریکا اعتماد کنند. به همین دلیل است که هر دو طرف، هم آمریکا و هم کشورهای حاشیه خلیج فارس به چین روی آورده‌اند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با اقدامات قابل تقدیری مانند توسعه تجارت، معامله نفت با یونان، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ابتکار کمربند و راه و برقراری ارتباط با گروه بریکس و سازمان همکاری شانگهای به سمت چین رفته‌اند و آمریکا هم با خصومت به سمت چین رفته‌است. اینکه سفر ترامپ و مذاکرات او چه نتایج ملموسی در در داشته‌باشد، به ویژه به دلیل پلاتکلیفی استراتژیک دونالد ترامپ، مورد تردید است.

تکس: The New York Times



ترامپ و پرونده پیچیده خاورمیانه

رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۰۰ روز نخست ریاست‌جمهوری خود چه سیاست‌هایی در خاورمیانه و غرب آسیا در پیش گرفت

بن بست ترامپ در سوریه

است. هر چند سوریه وارد دوره انتقالی بسیار حساسی شده است، ترامپ هنوز هیچ تیمی را برای مدیریت این پرونده منصوب نکرده است. با اینکه خیلی از کشورها از استمرار سیاست آمریکا در مورد سوریه استقبال کرده‌اند اما سوریه امیدوار بود با انتخاب ترامپ شاهد چرخشی اساسی در سیاست مداخله آمریکا باشد. معنای ثبات در سیاست آمریکا استمرار تحریم‌های فراگیر علیه سوریه است که باعث از دست رفتن ثباتی می‌شود که قرار بود این تحریم‌ها ایجاد کنند. این تحریم‌ها برای منزوی کردن نظام بشار اسد، رئیس‌جمهوری پیشین سوریه طراحی شده بود که ماه دسامبر سال گذشته سرنگون شد. برکناری بشار اسد باید مسیر را برای احیا و اصلاح کشور با می‌کرد؛ اما در عوض تحریم‌های تاریخ گذشته سر جای خودشان



حاید
پژوهشگر غیرمقیم

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۰۰ روز نخست ریاست‌جمهوری خود در بسیاری از جبهه‌ها به سرعت پیش‌روی کرد، اما سوریه یکی از این جبهه‌ها نبود. سیاست آمریکا که از دولت پیشین به ارث رسیده بود، بدون تغییر ماند. البته آنچه دولت ترامپ به ارث برده است یک استراتژی مدون نیست، بلکه بی‌میلی کامل

جذابیت روزافزون ترتیبات امنیتی بومی

به اولویت‌هایش است. از جمله این اقدام‌ها می‌توان به تلاش‌های میانجی‌گرانه عربستان سعودی برای پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین و تسهیل گری عمان در گفت‌وگوها برای توقف برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرد. دومین روش این کشورها بیان وعده سرمایه‌گذاری‌های فوق‌العاده کلان در ایالات متحده است که رئیس‌جمهور آمریکا بتواند در افکار عمومی از این وعده‌ها برای خود اعتبار کسب کند. این رویکرد کشورهای خلیج فارس کاملاً قابل درک است. بیش از سه دهه است که بنیان اصلی دکترین راهبردی کشورهای حاشیه خلیج فارس پذیرش کامل توانمندی‌های قدرت سخت ایالات متحده آمریکا بوده است. نتیجه این رویکرد این شده است که در تمام این مدت، کشورهای منطقه به سرمایه‌گذاری مالی و سیاسی جدی در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای بی‌توجهی کرده‌اند و در عین حال به تقویت روابط



روری میلر
پژوهشگر غیرمقیم

رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس هم مانند همه همتایان‌شان در سراسر جهان به فکر راهکاری برای جلوگیری از آسیب‌های رویکرد غیرقابل پیش‌بینی و معامله‌گرانه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به سیاست هستند. این تلاش‌ها به دو شکل مختلف نمود پیدا کرده‌اند. روش نخست که بسیار پیگیرانه انجام می‌شود، نشان دادن ارزش این کشورها برای رئیس‌جمهور آمریکا در رسیدن

مانند، مسئله‌ای که هیچ ارتباطی با سوریه پسا اسد نداشت و کاملاً مخرب بود. قانون سسزار (Caesar Act) که سخت‌ترین قانون در میان قوانین تحریمی آمریکا علیه سوریه بود، شامل برخی معافیت‌های بشردوستانه می‌شد که البته فقط روی کاغذ معنا داشتند. در عمل این قانون سایه سنگینی روی سوریه انداخته است. بانک‌ها، سرمایه‌گذاران و کسب و کارها به شکل کامل از سوئی چشم‌پوشی می‌کنند، چراکه نگران عواقب حقوقی و مالی هستند. نتیجه این شده است که در شرایطی که سوریه به شدت به ثبات و بازسازی نیاز دارد، اقتصاد این کشور فلج باقی‌بماند. آسیب‌های این تحریم‌ها واقعی است. بازگرانی که مسئولیت‌بازسازی سوریه را بر عهده دارند، یعنی کسب و کارهای محلی، جامعه مدنی و مقام‌های کارگران را پرداخت کنند، سوخت وارد کنند یا بازسازی‌ها را تعمیر کنند. در غیاب خدمات یا بازسازی اعتماد، این احتمال وجود دارد که پیش از آنکه دولت جدید بختی برای حکمرانی داشته‌باشد، مشروعیتش را از دست بدهد. اما همه چیز به

امنیتی با بازیگران منطقه‌ای که جز آمریکا بی‌میل بودند اما ۱۰۰ روز نخست دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ باعث شد که برای تضمین نظام منطقه‌ای نیاز به ترتیبات امنیتی جدیدی که به قدرت سخت آمریکا وابسته نباشد، کاملاً ملموس باشد. چنین دیدگاهی صرفاً واکنشی به پیروزی ترامپ در انتخابات نیست. این موضوع ناشی از تغییرات بلندمدت در الگوهای قدرت در نظام بین‌الملل است که باعث افزایش بدبینی به مشروعیت و اثرگذاری سیاست خارجی ایالات متحده و مشکل‌تر شدن حفظ همسویی با واشنگتن در مسائل امنیتی مهم شده است. اما ۱۰۰ روز نخست ریاست‌جمهوری ترامپ تلاش‌هایی برای ایجاد سازوکارهای ائتلافی را با هدف خنثی کردن رقابت‌های ژئواستراتژیک و شکاف‌های فرقه‌ای تشدید کرده است. دولت‌های حاشیه خلیج فارس دیپلماسی پر جنب‌و‌جوش و موضع‌گیری استراتژیک را برای دخالت دادن بازیگران کلیدی منطقه‌ای و خارج از منطقه‌ای آغاز کرده‌اند. روز ۱۷ آوریل امسال برگزاری دو نشست، تجسم تلاش‌های این جنبی در منطقه بود. نشست اول سفر خالد بن سلمان آل سعود، وزیر دفاع عربستان سعودی به تهران و دیدار او با رهبر معظم ایران بود. نشست دوم دیدار بین شیخ تمیم بن حمد

خلیج فارس تأثیر بگذارد. اگر در نتیجه این سیاست‌ها قیمت‌های انرژی کاهش پیدا کند، می‌تواند باعث کاهش درآمد‌های دولت‌های خلیج فارس و آسیب به حوزه‌های مختلف اقتصاد این کشورها شود. مناسبات رو به رشد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با چین به صورت غیرمستقیم در معرض ناسامانی‌های جدید تجاری قرار گرفته است. در سال‌های اخیر چین جای ایالات متحده را به عنوان اصلی‌ترین واردکننده نفت کشورهای خلیج فارس گرفته است و به اصلی‌ترین خریدار نفت خام عربستان سعودی و در مجموع به اصلی‌ترین شریک تجاری این کشور بدل شده است. امارات متحده عربی هم به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری خود نگاه می‌کند. انفکاک چین و آمریکا باعث خواهد شد که این روابط تجاری بیشتر در خطر قرار گیرد. کانون‌های لیجستیک منطقه، مانند امارات متحده عربی، با توجه به تغییر مسیرهای تجاری و محدودیت‌های جدید با مخاطرات بیشتری مواجه می‌شوند که به نوبه خود باعث می‌شود دریاوردی، بنادر و زنجیره تأمین در خطر قرار گیرد. در دوره پیش رو شورای همکاری خلیج فارس با توجه به جریان‌های متقابل

بندبازی شورای همکاری میان آمریکا و چین

یک مواجهه تمام‌عیار اقتصادی با چین شد. چین وعده داده است که تا «آخر کار» تلافی‌کننده‌موضوع باعث شده است که تجارت ۵۸۲ میلیارد دلاری دو کشور به خطر بیفتد. اثر این مواجهه روزافزون در خلیج فارس احساس می‌شود. روابط نزدیک چین با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است به دلیل رویارویی چین و آمریکا آسیب ببیند. میانه ماه آوریل، اغلب بازارهای سهام کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به دلیل تغییر در سیاست‌های تجاری ایالات متحده و نگرانی روزافزون از اثر جنگ تجاری بر اقتصاد این کشورها دچار افول شدند. رویایی چین و آمریکا و تعرفه‌های تجاری بالاتر آمریکا در بلندمدت به دلیل کاهش تقاضای انرژی می‌تواند به صورت غیرمستقیم بر صادرات محصولات هیدروکربنی کشورهای



عادل عبدالقار
پژوهشگر مقیم و مدیر برنامه

انتخاب مجدد دونالد ترامپ مسیر را برای جنگی تجاری هموار کرد که رقابت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک میان آمریکا و چین را تشدید کرد. واشنگتن تعرفه‌های شدیدی را بر چین اعمال کرد که به رقم بی‌سابقه ۱۴۵ درصد برای بخش بزرگی از واردات آمریکا از چین رسید. ترامپ برنامه‌گزینه‌های پیشین خود را کنار گذاشت و وارد